



۱۰ سال گذشت؛ شکلات‌های جانی خریدار ندارد!

جانی دپ با مغز به زمین خورده است. این حرفی است که تماشاگران فیلم "مورتدکای" Mortdecai وقتی از سالن های سینما بیرون می آمدند در باره جانی معروف خودشان زیرلب زمزمه می کردند.

همشهری آنلاین - گاردین - ترجمه مهدی تهرانی:

جانی دپ با مغز به زمین خورده است. این حرفی است که تماشاگران فیلم "مورتدکای" Mortdecai وقتی از سالن های سینما بیرون می آمدند در باره جانی معروف خودشان زیرلب زمزمه می کردند.

جدیدترین فیلم جانی دپ 52 ساله با نام مورتدکای در حالی به 2 هفته پیش به اکران سراسری رسید که از پیش منتقدان نسبت به عدم موفقیت آن هشدار داده بودند. شکست مطلق مورتد کای و به تبع آن جانی دپ که نقش اول فیلم را به عهده داشت برای این بازیگر سرشناس و محبوب هالیوودی فاجعه ای جبران ناپذیر تلقی می گردد. چرا که بدون هیچ شک و ابهامی این سومین پروژه هالیوودی و گران قیمت این بازیگر است که با شکست تجاری و هنری مطلق روبرو گردیده است. دو فیلم قبلی جانی دپ یعنی رنجر تنها the lone ranger و همچنین transcendence به ترتیب محصول 2013 و 2014 نیز با مغز به زمین خورده بودند.

این را در نظر داشته باشید که قوانین نانوشته همیشه در هالیوود حرف اول را می زند. بر این اساس گفته می شود وقتی 3 فیلم یک بازیگر درجه اول با شکست تجاری (نه هنری و اعتباری) روبرو شود به صورت سنتی دیگر نمی توان وی را یک بازیگر درجه یک دانست.

از سوی دیگر برخی می گویند جانی دپ یا باید برود چندین پروژه با تیم برتون بسازد تا هردو احیا شوند. روندی که دست برقضا ده سال پیش روی داد و شدیداً برای هر دو نفر جواب داد. چرا که همان تیم برتون فیلمسازی است که دپ را کشف کرده و با میدان دادن به او و تکرار این روند، از دپ بازیگری فراتر از کلاس بین المللی ساخته است.

تعدادی از فیلمهای شکست خورده سالهای دور که در حال حاضر از آثار کلاسیک محسوب می شوند، در دوباره سازی ها، شگفت آوری می کنند. نسخه جدید مورد بحث ما «چارلی و کارخانه شکلات سازی» نیز یکی از همین دوباره سازی های موفق در سال 2005 نام گرفت. نسخه اوریژینال مربوط به سال 1971 است. که براساس نوول رونالد دال ساخته شده بود و هر چند در گیشه موفق نبود؛ اما نظر منتقدان را به خود جلب کرد.

یکی از حرف های درگوشی در باره تیم برتون و نوع ساخت و سازهایش دست بردن در نوول هاست. بسیاری اعتقاد دارند اگر چارلی و کارخانه شکلات سازی به این موفقیت نمی رسید در این دهسال اخیر پرونده برتون و دپ نیز برچیده می شد. اما براستی برتون از چه ترفندی استفاده می کند.

بیائید رمان چارلی و کارخانه شکلات سازی را بررسی کنیم. اگر داستان را خوانده باشید و هم فیلم جدید را دیده باشید آنا به این مهم پی می برید که تیم برتون چیزی را بازسازی نکرده و حتی به اصل کتاب نیز پایبند و وفادار نبوده است، بلکه آنچه خودش از کتاب پسندیده با حذف و اضافات معمولی و همیشگی، سرانجام ورسیون جدید «چارلی و کارخانه شکلات سازی» را به وجود آورده است.

چارلی کودک خوش قلب و خوش قریحه به همراه 4تن از هم سن و سال هایش به دعوتی عجیب با خوشحالی هر چه تمام تر پاسخ می دهند. چارلی به همراه «مایکی و ویولت تیوی»، «آگوستوس گلاپ» و «وروکا سالت» به تماشای کارخانه شکلات سازی می روند.

گرداننده آن محل خوشبو و افسانه ای، کسی است که علاوه بر نبوغ خاص و استثنایی اش در پاره ای از موارد نیز دارای رفتارهای عجیب و غریب است. او که «ویلی دونکا» نام دارد، تا امروز هرگز دندان هایش شکلاتی را گاز نزده اند و اصلاً ویلی مزه راستکی یک شکلات خوشمزه را نمی داند. اما این موضوع دلیل دارد... این چند سطر کلی از داستان چارلی و کارخانه شکلات سازی است که رونالد دال آن را نوشته است.

او که در سال 1990 درگذشت، غصه ای عظیم را تا دم مرگ تحمل می کرد. قضیه از این قرار بود که او هرگز باور نمی کرد کمپانی برادران وارنر این چنین به داستان او گند بزند و فیلمی تحت همین نام در سال 1971 تولید کند.

حتی پیش از مرگ او نسبت به یک ساخت و ساز جدید از نوولش بیم داشت و از آنجا که نویسنده ای شدیداً وابسته به خانواده بود، این حساسیت به بقیه خانواده نیز سرایت کرد. در سال 1992، یک سال و اندی پس از مرگ دال، بین 25 آوریل تا 10 نوامبر همان سال، وارنر 11 مرتبه نمایندگانی شناخته شده را رهسپار ملاقات با همسر خالق درگذشته نوول «چارلی و کارخانه شکلات سازی» کرد.

اما همسر وی آنها را نپذیرفت. لیزی همسر دال درگذشته، فقط جنیفر ساترلند را به خانه اش راه داد؛ چون با او رودربایستی داشت؛ اما وقتی چای عصرانه تمام شد، او را هم از در خانه انداخت بیرون. لیزی دال بعدها در گفتگویی با «هالیوود ریپورتر» اعلام کرد که هنوز شوک همسرش حاصل از نتیجه ساخته شدن فیلم کمپانی برادران وارنر در سال 1971 را جلوی دیدگانش به وضوح مشاهده می کند.

در نوول دال و در فیلم برتون پرسوناژهای چارلی و ویلی رنگ و لعاب خاص و بیشتری دارند ؛ اما به نظر می رسد در نوول سهم چارلی بیشتر باشد و در فیلم برتون سهم ویلی. این سهم شاید به دلیل برداشت خاص برتون باشد. ضمن این که او با توافق قبلی با لیزی دال ، ویلی را از پیشینه ای متفاوت از آنچه در کتاب آمده بود، برخوردار کرد. و نتیجه نیز بسیار مطلوب از کاردرآمد. ضمن این که پرداخت بیشتر ویلی چیزی از چارلی کم نکرد و برتون سهم او در پرداخته شدن و جایگاهش در پیشبرد روند شکل گیری داستان را بخوبی لحاظ کرده بود.

یک نکته کلی در مورد کتاب و سازنده اثر سینمایی در این کار بخصوص وجود دارد. درواقع آنچه پررنگ تر و مهمتر به چشم می آید، نسخه سینمایی است. حتی شکل گیری و تعامل بین داستانک ها و عوامل پیشبرنده آن یعنی کاراکترها مهم آیتم در موفقیت آن، نه!، است.

از ادوارد دست قیچی تا ویلی وونکا!

تا ده سال پیش و تا قبل از فیلم پنجره عقبی و بعد از همین چارلی و کارخانه شکلات سازی؛ جانی دپ مجددا احیا شده بود. دزدان دریایی کارائیب را کنار بگذارید. بله او گاهی دارد از فرط پرکاری می ترکد. البته زندگی پر از افراط و تفریط او چیزی نیست که روزی اصلاح پذیر شود. شاید همین چیزها او را دوست داشتنی کرده است.

این خصیصه و ولنگاری و آنتروپی شدید وی به همراه سیاست ورزی او باعث شده است جانی دپ 52 ساله هیچ گاه از نظرها نیفتد. جانی دپ پیش از ادوارد دست قیچی در 1990 و تبدیل شدن به یک ستاره 4 سال پیش از آن نیز با یک کارگردان طراز اول کار کرده بود که اتفاقا فیلم آن کارگردان هنوز هم اثری بدیع به حساب می آید.

منظور همان فیلم جوخه ساخته اولیور استون است که جانی دپ نیز در آن نقشی کوتاه داشت. اما 4 سال بعد تیم برتون صراحتا دپ را به هالیوودی ها معرفی کرد و او ساک و باروبندیش را از تلویزیون به سینما آورد و این همکاری تا امسال یعنی بعد از 15 سال بخوبی ادامه یافته است.

دپ اگر در ماهی بزرگ حضور نداشت ، بیشتر به دلیل درگیری او در پروژه دزدان دریایی کارائیب : نفرین مروارید سیاه بود. پروژه ای که قسمت اول آن کولاک کرد و دپ را نامزد اسکار 2004 کرد و قسمتهای دوم و سوم آن همزمان در حال ساخت است.

ضمن این که دپ در خلال این فیلم ، در یافتن ناکجاآباد نیز مشغول بازی بود که این فیلم نیز او را نامزد دریافت اسکار بهترین بازیگری نقش اول مرد در سال 2005 کرد که البته به آن نرسید. به هر روی جانی دپ در هر گفتاری ، قضیه را به تیم برتون می کشاند و این که اگر برتون نبود، دپ نیز ناچار بود هنوز هم در سریال های آبکی تلویزیونی بازی کند و چه بسا اصلا با توجه به هلنگاه، اه سینما ه بازنگاه، ا، کنار بگذارد.

چارلی باکت یا ویلی وونکا؛ دال یا برتون